

بررسی رابطه بین نیاز به ساختار و خلاقیت هیجانی در دانش آموزان مقطع متوسطه شهر اصفهان

مریم صمدی^۱

امیر قمرانی^۲

عبدالحسین شمس^۳

مریم احمدزاده^۴

سید حسین سیادتیان^۵

چکیده

زمینه: نیاز به ساختار، مفهومی است که اولین بار توسط کراگلانسی و همکاران (۱۹۹۰) مطرح شد. نیاز به ساختار تمایلی برای جست و جوی ساختار، ساده کردن اطلاعات پیچیده و اجتناب از سردرگمی و ابهام تعریف شده است.

هدف: هدف از انجام پژوهش حاضر بررسی رابطه نیاز به ساختار با خلاقیت هیجانی در بین دانش آموزان پسر مقطع متوسطه شهر اصفهان بود.

روش: مشارکت کنندگان این پژوهش ۲۷۰ تن از دانش آموزان پسر مقطع متوسطه شهر اصفهان بودند که به شیوه خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. ابزارهای سنجش متغیرهای پژوهش شامل

۱. دانشجوی دکتری رشته روان‌شناسی، آموزش کودکان با نیازهای خاص، دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول)

samadi.m.1988@gmail.com

۲. استادیار دانشگاه اصفهان، رشته روان‌شناسی، آموزش کودکان با نیازهای خاص Aghamarani@yahoo.com

۳. کارشناس ارشد رشته روان‌شناسی، آموزش کودکان با نیازهای خاص، دانشگاه اصفهان h.Shamsi915@gmail.com

۴. کارشناس ارشد رشته روان‌شناسی، آموزش کودکان با نیازهای خاص، دانشگاه اصفهان

ahmadzadeh18@gmail.com

۵. کارشناس ارشد رشته روان‌شناسی، آموزش کودکان با نیازهای خاص، دانشگاه اصفهان h.siadatian@gmail.com

پرسش‌نامه نیازبه‌ساختار (روتز و ون هیل، ۲۰۰۷) و پرسش‌نامه خلاقیت هیجانی (آوریل، ۱۹۹۹) بود. پژوهش حاضر از نوع همبستگی بود و تحلیل داده‌ها با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون ساده انجام شد.

یافته‌ها: نتایج نشان داد، بین نیازبه‌ساختار و ابعاد خلاقیت هیجانی رابطه منفی و معنادار وجود دارد. طبق نتایج به‌دست آمده ضریب همبستگی بین نیازبه‌ساختار با مؤلفه نوآوری ۰/۶۴-، آمادگی ۰/۶۳-، با مؤلفه اثربخشی ۰/۶۳- و با خلاقیت هیجانی کل ۰/۶۴- است.

نتیجه‌گیری: نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که افراد دارای نیازبه‌ساختار بالا در همه ابعاد خلاقیت (نوآوری، اثربخشی و آمادگی) نمرات کمتری کسب می‌کنند و در سطوح پایین‌تری قرار دارند.

کلیدواژه (گان): نیازبه‌ساختار، خلاقیت هیجانی، دانش‌آموزان.

مقدمه

«نیازبه‌ساختار» تمایلی برای جست‌وجوی ساختار، ساده کردن اطلاعات پیچیده و اجتناب از سردرگمی و ابهام و همچنین جهشی به سمت قضاوت بر اساس شواهد قطعی و محکم و بی‌میلی نسبت به سرگرم کردن خود به دیدگاه‌های مختلف مطرح شده است (Kruglanski & Webster, 1996). دو گرایش زیربنایی برای نیازبه‌ساختار فرض شده است: الف) گرایش شدید و فوری، که بیانگر تمایل فوری به دریافت ساختار و ب) گرایش به پایداری، که به ادامه دادن یا ثابت ماندن بر ساختار اشاره دارد (Roets & Van Hiel, 2011). بررسی ادبیات تحقیق نیازبه‌ساختار گویای ارتباط این سازه با متغیرهای مطرح در حوزه‌های آسیب‌شناسی روانی، روان‌پریشی و توهم (Bentall & Swarbrick, 2003; Freeman et al., 2006)، اضطراب (Freeman et al., 2006; Colbert et al., 2006; Freeman et al., 2006)، افسردگی (Freeman et al., 2006) و وسواس (Mancini et al., 2002)، روان‌شناسی اجتماعی: رفتار رأی دادن (Chirumbolo &

(Leone, 2008)، توافق و اجماع گروهی، پذیرش هنجارها (Jost et al., 2003; Kruglanski et al., 2006) و روان‌شناسی آموزش و یادگیری: راهبردهای یادگیری، جهت‌گیری هدف (DeBacker & Crowson, 2006 & 2008) است. از سوی دیگر بررسی تحقیق‌های جدیدتر نشان از ردپای سازه نیازبه‌ساختار در حوزه روان‌شناسی شناختی؛ تصمیم‌گیری (روتز و ون هیل، ۲۰۰۸)، استدلال دقیق (Klein & Webster, 2000) و خلاقیت (Chirumbolo et al., 2005) دارد. در این راستا، مشخص شده است افرادی که سطح بالای نیازبه‌ساختار را نشان می‌دهند از هرج‌ومرج و آشفتگی در زندگی بیزارند. آنان امور پایدار و قابل پیش‌بینی را که در همه شرایط قابل اعتماد هستند ترجیح می‌دهند. این افراد تمایل به تصمیم‌گیری سریع دارند که خود نشان‌دهنده نیاز آنها به قاطعیت است (روتز و ون هیل، ۲۰۱۱). ارتباط نیازبه‌ساختار با مواردی نظیر بیزاری از آشفتگی و هرج‌ومرج، تمایل به تصمیم‌گیری سریع، نیاز به قاطعیت و تحمل‌ناپذیری ابهام، فرضیه وجود رابطه بین نیازبه‌ساختار و خلاقیت را مطرح می‌نماید. کرومبولو و همکاران (2005) بیان می‌کنند، سطوح بالای نیازبه‌ساختار خلاقیت را کاهش می‌دهد. خلاقیت حالتی ذهنی است که به تمام کارهای هوشمندانه انسان وحدت می‌بخشد (Averill, 2005). در این تعریف خلاقیت فعالیتی تخیلی است که منجر به نتایج ابتکاری و ارزشمند می‌شود. پنج مفهوم اساسی در این تعریف مشخص شده است؛ (۱) تخیلی بودن (۲) داشتن روش و اسلوب (۳) تعقیب هدفمندانه (۴) ابتکاری بودن (۵) ارزشمندی که هر کدام بخشی از جریان خلاقیت محسوب می‌شوند. در مطالعات جدید درباره خلاقیت تقسیم‌بندی‌های متعددی صورت گرفته است که یکی از آنها جدا کردن خلاقیت شناختی از خلاقیت هیجانی است (Averill, 2005). آوریل و نانلی (1992) خلاقیت هیجانی را ابراز خود به روشی جدید که بر اساس آن خطوط فکری فرد بسط یافته و روابط بین فردی او افزایش می‌یابد، تعریف کرده‌اند. در این تعریف ابعاد و عناصر این نوع خلاقیت را بداعت، اثربخشی و صداقت بیان کرده‌اند. بداعت یعنی توانایی تغییر در هیجان‌های معمول و ایجاد حالت هیجانی جدید که یا برخلاف هنجارها و استانداردهاست یا ترکیب جدیدی از هیجان‌های متداول فرد است.

اثربخشی به هماهنگی پاسخ خلاق با زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی اشاره دارد؛ به گونه‌ای که برقراری روابط مطلوب با دیگران را ممکن می‌سازد. صداقت نیز بدان معناست که هیجان‌ها باید برخاسته از باورها و اعتقادات فرد باشد. علاوه بر ملاک‌های فوق، آوریل (2005) معتقد است، افراد دارای خلاقیت هیجانی برای شناخت هیجان‌ها وقت بیشتری صرف می‌کنند و گویی آمادگی ذاتی برای این کار دارند. همچنین آوریل (2007) اظهار می‌دارد افراد با خلاقیت هیجانی قادرند به‌طور صحیح موقعیت را ارزیابی و احساسات خود را ماهرانه بیان کنند. با توجه به تازگی مفهوم خلاقیت هیجانی حجم تحقیق‌های انجام شده در این حوزه (به‌خصوص در ایران) زیاد نیست. علاوه بر این، عمده پژوهش‌های انجام شده در این زمینه بیشتر همبستگی این سازه را با سایر سازه‌های روانی همچون خلاقیت شناختی (Fuchs et al., 2007; Holt, 2004)، جوکار و البرزی، (۱۳۸۹)، هوش هیجانی (هاشمی، ۱۳۸۸)، ویژگی‌های شخصیتی (Averill, 1999)، سبک‌های خلاقانه و روابط میان فردی (Lim, 1995)، تفاوت‌های فردی (Long et al., 2003)، بیماری‌های عاطفی (Fuchs et al., 2007)، رفتارهای خلاق (Averill, 2005) و خودکارآمدی (کاظمی و شفقی، ۱۳۹۰) بررسی کرده‌اند. با عنایت به مبانی نظری و پژوهشی که ذکر شد و با مرور بر پژوهش‌های انجام شده، لزوم تحقیقی درخصوص رابطه خلاقیت هیجانی و نیازبه‌ساختار احساس می‌شود. بر این اساس، هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه بین خلاقیت هیجانی با نیازبه‌ساختار است. به‌عبارت‌دیگر این پژوهش سعی دارد تأثیر یک متغیر شخصیتی (نیازبه‌ساختار) را در حوزه روان‌شناسی شناختی و متغیر نوظهور خلاقیت هیجانی بررسی کند.

روش پژوهش

روش این پژوهش توصیفی از نوع همبستگی و جامعه آماری این پژوهش کلیه دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه شهر اصفهان در سال تحصیلی (۹۲-۱۳۹۱) بودند. در این تحقیق نمونه‌ای مشتمل بر ۲۷۰ نفر با روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب

شدند. ملاک انتخاب حجم نمونه حداقل حجم نمونه برای تحقیق‌های همبستگی بود که ۱۰۰ نفر است (دلاور ۱۳۸۰).

ابزار

پرسش‌نامه نیاز به ساختار: وبستر و کروگلانسکی (1994) پرسش‌نامه‌ای خودآزما (۴۲ گویه‌ای) برای اندازه‌گیری تفاوت‌های فردی تدوین کردند (Freeman et al., 2006). مقیاس نیاز به ساختار (Kruglanski & Webster, 1996) توسط روتز و ون هیل (2007) تجدیدنظر شد و با ۱۵ سؤال در تحقیق‌های روان‌شناختی به‌دفعات بسیار مورد استفاده قرار گرفت. هر یک از سؤالات دارای طیف لیکرت بین ۱ تا ۶ (کاملاً مخالف-کاملاً موافق) می‌باشد. تجزیه و تحلیل‌ها نشان داد، ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس تجدیدنظر شده مشابه مقیاس اصلی است و با آلفای ۰/۸۷ می‌تواند به‌عنوان مقیاسی جایگزین و معتبر استفاده شود. همچنین پایایی آزمون که از طریق روش بازآزمایی در بازه زمانی ۴ هفته به دست آمد، ضریب پایایی ۰/۷۹ را نشان داد (روتز و ون هیل، ۲۰۰۷). با توجه به اینکه بر اساس بررسی‌های محققان تاکنون پرسش‌نامه نیاز به ساختار در ایران روایی و پایایی نشده بود، بنابر این، در پژوهش حاضر پس از ترجمه مقیاس توسط محققان و ترجمه معکوس توسط دو نفر از دانشجویان دکتری زبان انگلیسی، ترجمه فارسی با نظرخواهی از استادان روان‌شناسی تهیه شد. روایی محتوایی پرسش‌نامه از طریق نظرخواهی از صاحب‌نظران و متخصصان روان‌شناسی و تطابق گویه‌ها با مفاهیم مرتبط با نیاز به ساختار احراز شد. همچنین روایی سازه مقیاس با شیوه تحلیل عوامل بررسی شد که نتایج گویای وجود یک عامل کلی با ارزش ویژه بزرگ‌تر از ۱ به نام نیاز به ساختار بود (شاخص KMO که گویای کفایت نمونه‌گیری است برابر با ۰/۷۸ محاسبه شد). جهت محاسبه پایایی پرسش‌نامه نیاز به ساختار، سؤالات آزمون روی نمونه ۲۷۰ نفری از دانش‌آموزان شهر اصفهان که نمونه مورد مطالعه در پژوهش حاضر را شامل نمی‌شدند، اجرا شد. پس از آن ضریب پایایی

به روش آلفای کروناخ و دونیمه کردن به دست آمد. آلفای کروناخ برابر با $0/81$ و ضریب پایایی آزمون به شیوه دونیمه کردن برابر با $0/60$ احراز شد.

پرسش‌نامه خلاقیت هیجانی: ابزار سنجش خلاقیت هیجانی پرسش‌نامه خلاقیت هیجانی آوریل (1999, 1994) بود. این پرسش‌نامه را ابتدا آوریل و توماس نولز (1991) طراحی کردند و آوریل به تدریج آن را بهینه کرد. نسخه اولیه این مقیاس ۵۰ گویه (۳۰ گویه اصلی و ۲۰ گویه خنثی) داشت که چهار ملاک آمادگی (هفت گویه)، اثربخشی (پنج گویه)، اصالت (چهار گویه) و بداعت (چهارده گویه) را با کاربرد صرفاً تحقیقاتی بررسی می‌کند. آوریل (1999) با استفاده از روش تحلیل عاملی و روایی هم‌زمان با آزمون‌های مشابه، نسخه جدید این مقیاس را با ۳۰ گویه طراحی نمود. در پرسش‌نامه مذکور گویه‌های مربوط به ابعاد اثربخشی و اصالت در قالب یک خرده مقیاس تنظیم شد و در نهایت ۳ عامل آمادگی، اثربخشی (اصالت) و نوآوری (بداعت) شناسایی و برای محاسبه پایایی ضریب آلفای کروناخ محاسبه شد؛ مقدار آن برای کل مقیاس $0/91$ و برای ابعاد آمادگی، اثربخشی (اصالت) و نوآوری (بداعت) به ترتیب $0/80$ ، $0/89$ و $0/85$ به دست آمد. پس از پژوهش آوریل (1999)، چندین پژوهش دیگر نیز روایی و پایایی پرسش‌نامه ۳ عاملی جدید را تأیید کردند. برای مثال، در پژوهش فوجز و همکاران (۲۰۰۷) در خارج از کشور و در پژوهش‌های جوکار و البرزی (۱۳۸۹) و لطیفیان و دلاورپور (۱۳۹۱) با استفاده از روش تحلیل عاملی وجود سه عامل همسان با پژوهش آوریل (1999) تأیید شد. جوکار و البرزی (۱۳۸۹) پایایی نمره کلی پرسش‌نامه خلاقیت هیجانی و سه بعد فرعی آن را، با استفاده از محاسبه ضریب آلفای کروناخ مطلوب گزارش نمودند. در پژوهش لطیفیان و دلاورپور (۱۳۹۱) نیز با استفاده از روش دونیمه سازی ضریب پایایی مقیاس $0/82$ به دست آمد. ضریب آلفای کروناخ نیز برای ابعاد آمادگی، اثربخشی (اصالت) و نوآوری (بداعت) به ترتیب $0/75$ ، $0/77$ و $0/74$ محاسبه شد. لازم به ذکر است که در این پرسش‌نامه ۱۴ گویه (۳۰، ۲۸، ۲۶، ۲۴، ۲۳، ۲۱، ۱۹، ۱۸، ۱۶، ۱۴، ۱۰، ۸، ۶، ۱) برای مؤلفه نوآوری، ۷ گویه

(۲۷، ۲۰، ۱۵، ۱۱، ۷، ۵، ۲) برای مؤلفه آمادگی و ۹ گویه (۲۹، ۲۵، ۲۲، ۱۷، ۱۳، ۱۲، ۹، ۴، ۳) برای مؤلفه اثربخشی در نظر گرفته شده است.

یافته‌های پژوهش

سن دانش‌آموزان شرکت‌کننده در این پژوهش بین ۱۴ تا ۱۹ سال بود. ۲۸ نفر ۱۴ سال (۱۰/۴ درصد)، ۶۶ نفر ۱۵ سال (۲۴/۴ درصد)، ۷۳ نفر ۱۷ سال (۲۷ درصد)، ۳۳ نفر ۱۸ سال (۱۲/۲ درصد) و ۴ نفر ۱۹ سال (۱/۵ درصد) سن داشتند. در این بین ۷۵ نفر (۱۲/۲ درصد) رشته انسانی، ۵۳ نفر (۱۹/۶ درصد) رشته تجربی، ۱۰۹ نفر (۴۰/۴ درصد) رشته ریاضی و ۷۵ نفر (۲۷/۸ درصد) کلاس اول دبیرستان بودند. همچنین به نسبت کلاسی، ۷۵ نفر (۲۷/۸ درصد) کلاس اول، ۸۱ نفر (۳۰ درصد) کلاس دوم، ۵۹ نفر (۲۱/۹ درصد) کلاس سوم و ۵۵ نفر (۲۰/۴ درصد) پیش‌دانشگاهی بودند. میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش در جدول ۱ گزارش شده است.

جدول ۱. آماره‌های توصیفی متغیرهای مورد مطالعه

متغیرها	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد
نیاز به ساختار	۲۷۰	۱۹/۲۸	۱۲/۰۴
نوآوری	۲۷۰	۴۳/۶	۱۲/۷۵
آمادگی	۲۷۰	۲۱/۸۸	۶/۲۴
اثربخشی/اصالت	۲۷۰	۲۸/۲۸	۷/۷
خلاقیت هیجانی کل	۲۷۰	۹۳/۷۷	۱۲/۵۲

همان‌گونه که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، میانگین و انحراف استاندارد برای مؤلفه نیاز به ساختار ۱۹/۲۸، ۱۲/۰۴ است. میانگین و انحراف استاندارد برای خرده مقیاس نوآوری ۴۳/۶ و ۱۲/۷۵ است. میانگین و انحراف استاندارد برای خرده مقیاس آمادگی ۲۱/۸۸ و ۶/۲۴ است. میانگین و انحراف استاندارد برای خرده مقیاس اثربخشی/اصالت ۲۸/۲۸ و ۷/۷ و میانگین و انحراف استاندارد برای نمره کل خلاقیت هیجانی ۹۳/۷۷ و ۱۲/۵۲ است.

به منظور رابطه بین نیاز به ساختار با خلاقیت هیجانی و خرده مقیاس های آن، نتایج ضریب همبستگی پیرسون در جدول ۲ گزارش شده است.

جدول ۲. ضرایب همبستگی بین نیاز به ساختار با مؤلفه های خلاقیت هیجانی

متغیر	ضریب همبستگی	سطح معناداری
نوآوری	-۰/۶۴	۰/۰۱
آمادگی	۰/۶۳	۰/۰۱
اثربخشی / اصالت	۰/۶۳	۰/۰۱
خلاقیت هیجانی کل	۰/۶۴	۰/۰۱

نتایج جدول بالا نشان می دهد که ضرایب همبستگی محاسبه شده بین همه متغیرهای پژوهش معنادار است. طبق جدول، ضریب همبستگی بین نیاز به ساختار با خرده مقیاس نوآوری (-۰/۶۴۶)، ضریب همبستگی بین نیاز به ساختار با خرده مقیاس آمادگی (-۰/۶۳۶)، ضریب همبستگی بین نیاز به ساختار با خرده مقیاس اثربخشی / اصالت (-۰/۶۳۳) و ضریب همبستگی بین نیاز به ساختار با خلاقیت هیجانی کل (-۰/۶۴۴) می باشد.

جدول ۳. خلاصه نتایج مدل رگرسیون برای پیش بینی خلاقیت هیجانی و مؤلفه های آن بر اساس نیاز به ساختار

متغیر پیش بین	متغیر ملاک	Beta	R	F	Sig
نیاز به ساختار	نوآوری	-۰/۶۴۶	۰/۶۴۶	۵۵/۹۳	۰/۰۰۰۱
	آمادگی	-۰/۶۳۶	۰/۶۳۶	۵۳/۰۴	۰/۰۰۰۱
	اثربخشی / اصالت	-۰/۶۳۳	۰/۶۳۳	۵۲/۰۴	۰/۰۰۰۱
	خلاقیت هیجانی کل	-۰/۶۴۴	۰/۶۴۴	۵۵/۳۵	۰/۰۰۰۱

نتایج جدول ۳ نشان می دهد، پیش بینی نوآوری توسط نیاز به ساختار میزان F مشاهده شده معنی دار است ($F=55/93$, $p \leq 0/0001$) و با توجه به اینکه R^2 درصد واریانس مشترک نیاز به ساختار برای پیش بینی نوآوری است. بنابر این، مدل رگرسیون خطی معنی دار است، در نتیجه نیاز به ساختار با نوآوری رابطه معنی دار و معکوس دارد. با توجه به منفی بودن ضریب

رگرسیون نیازبه‌ساختار و نوآوری (۰/۶۴-)، با افزایش نیاز به ساختار، جهت‌گیری هدف تسلطی کاهش می‌یابد.

در خصوص پیش‌بینی آمادگی توسط نیازبه‌ساختار میزان F مشاهده شده معنی‌دار است (۰/۰۰۰۱ $p \leq$ ، $F=۵۳/۰۴$) و با توجه به اینکه R^2 ، درصد واریانس مشترک نیازبه‌ساختار برای پیش‌بینی آمادگی است. بنابر این، مدل رگرسیون خطی معنی‌دار است و در نتیجه نیازبه‌ساختار با مؤلفه آمادگی رابطه معنی‌دار و معکوس دارد. با توجه به منفی بودن ضریب رگرسیون نیازبه‌ساختار و مؤلفه آمادگی (۰/۶۳-)، با افزایش نیازبه‌ساختار، آمادگی کاهش می‌یابد.

در خصوص پیش‌بینی اثربخشی/اصالت توسط نیازبه‌ساختار میزان F مشاهده شده معنی‌دار است (۰/۰۰۰۱ $p \leq$ ، $F=۵۲/۰۴$) و با توجه به اینکه R^2 ، درصد واریانس مشترک نیازبه‌ساختار برای پیش‌بینی مؤلفه اثربخشی/اصالت است. بنابر این، مدل رگرسیون خطی معنی‌دار است و در نتیجه نیازبه‌ساختار با مؤلفه اثربخشی/اصالت رابطه معنی‌دار و معکوس دارد. با توجه به منفی بودن ضریب رگرسیون نیازبه‌ساختار و مؤلفه اثربخشی/اصالت (۰/۶۳-)، با افزایش نیازبه‌ساختار، اثربخشی/اصالت کاهش می‌یابد.

در خصوص پیش‌بینی خلاقیت هیجانی کل توسط نیازبه‌ساختار میزان F مشاهده شده معنی‌دار است (۰/۰۰۰۱ $p \leq$ ، $F=۵۵/۳۵$) و با توجه به اینکه R^2 ، درصد واریانس مشترک نیازبه‌ساختار برای پیش‌بینی خلاقیت هیجانی است. بنابر این، مدل رگرسیون خطی معنی‌دار است و در نتیجه نیازبه‌ساختار با خلاقیت هیجانی رابطه معنی‌دار و معکوس دارد. با توجه به منفی بودن ضریب رگرسیون نیازبه‌ساختار و خلاقیت هیجانی (۰/۶۴-)، با افزایش نیازبه‌ساختار، خلاقیت هیجانی کاهش می‌یابد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه بین خلاقیت هیجانی با نیازبه‌ساختار بود. یافته‌های به‌دست‌آمده از پژوهش حاضر مبین آن بود که بین مؤلفه‌های خلاقیت هیجانی و نیازبه‌ساختار

رابطه منفی معنادار وجود دارد. این یافته‌های با نتایج پژوهش‌های کرومبولو و همکاران (2005)، روتز و ون هیل (2011) همخوان است.

از یافته‌های پژوهش حاضر می‌توان به منفی بودن رابطه مؤلفه نوآوری خلاقیت هیجانی با نیازبه‌ساختار اشاره نمود. در تبیین این یافته می‌توان چنین استدلال کرد که افراد با نوآوری بالا همواره به تغییر حالات هیجانی و ایجاد حالت هیجانی جدید که برخلاف هنجارها و استانداردهاست گرایش دارند. از طرف دیگر این افراد به دنبال ترکیب جدیدی از هیجان‌ها و عواطف متداول هستند. این در حالی است که افراد با نیازبه‌ساختار بالا درصدد اتخاذ یک شیوه هیجانی معین هستند و از تغییر در آن دوری می‌جویند (روتز و ون هیل، ۲۰۱۱)، ازاین‌رو رابطه منفی بین این دو متغیر دور از انتظار نیست.

یافته دیگر پژوهش حاکی از منفی بودن رابطه مؤلفه آمادگی با نیازبه‌ساختار است. افراد با آمادگی بالا به هماهنگی پاسخ خلاق با زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی گرایش بالایی دارند؛ به‌گونه‌ای که به برقراری روابط مطلوب با دیگران می‌پردازند. این گروه از افراد همواره به گسترش روابط و تصمیم‌گیری‌های مرتبط با اجتماع گرایش دارند که با توجه به پیشینه ذکرشده از افراد دارای نیازبه‌ساختار بالا این رابطه منفی دور از انتظار نیست.

همچنین از دیگر یافته‌های پژوهش وجود رابطه منفی و معنادار بین مؤلفه اثربخشی/اصالت با نیازبه‌ساختار می‌باشد. به‌عبارت‌دیگر با افزایش نیازبه‌ساختار مؤلفه اثربخشی خلاقیت هیجانی نیز کاهش می‌یابد. با توجه به اینکه گرایش زیربنایی افراد با نیازبه‌ساختار بالا تمایل فوری به دریافت ساختار و ثابت ماندن بر ساختار می‌باشد (Chirumbolo et al., 2005) و این در حالی است که افراد با خلاقیت هیجانی به دنبال تغییر حالات هیجانی و نیز آمادگی مستمر برای این تغییرند، ازاین‌رو رابطه منفی معنادار استدلال‌پذیر است.

ازاین‌رو، با توجه به ویژگی ذکرشده در مورد افراد خلاق هیجانی از قبیل تلاش مستمر در اتخاذ روش و تأکید بر انعطاف‌پذیری و ابتکاری بودن آن و نیز صرف وقت کافی در شناخت هیجان‌ها و تصمیم‌گیری برخلاف افراد با نیازبه‌ساختار، نتایج به‌دست آمده انتظار می‌رود.

از محدودیت‌های این پژوهش، استفاده صرف از ابزار مداد کاغذی برای سنجش خلاقیت هیجانی بود، حال آنکه پژوهش کانبزهل و آوریل (1996) نشان داده است که بین خلاقیت هیجانی (آنچه فرد در پرسش‌نامه گزارش می‌دهد) و سنجش خلاقیت هیجانی (از طریق تکالیفی که مستلزم بروز یک عمل خلاقانه هیجانی است) تفاوت‌هایی وجود دارد. محدودیت دیگر به بُعد اثربخشی / اصالت پرسش‌نامه خلاقیت هیجانی مربوط می‌شود. اگرچه ساختار عاملی این پرسش‌نامه یک بُعد را نشان می‌دهد، اما در مبانی نظری خلاقیت، این دو ملاک به‌رغم روابط متقابل، تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند که این پرسش‌نامه نتوانسته آنها را نشان دهد. در مجموع باید گفت نیاز به ساختار سازه‌ای جدید است که در مرحله اکتشاف قرار دارد. بنابراین، سؤال‌های بی‌شماری در این رابطه وجود دارد که لزوم اجرای پژوهش‌های مختلف را دوچندان می‌کند. بررسی مقایسه‌ای موضوع پژوهش حاضر در بین دانش‌آموزان و دانشجویان تیزهوش و غیر تیزهوش از جمله پیشنهاد‌های پژوهشی ما است. شناسایی دانش‌آموزان با نیاز به ساختار از یک سو و تطبیق هر چه بیشتر مواد آموزشی مدارس با ویژگی شخصیتی آنان از پیشنهاد‌های کاربردی پژوهش حاضر است.

نظام تعلیم و تربیت نیز می‌تواند پرورش خلاقیت هیجانی را به‌عنوان یک عامل کلیدی در موفقیت معلم و دانش‌آموز در برنامه‌های خود بگنجانند.

منابع

- دلاور، علی (۱۳۸۰). مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی، تهران: انتشارات رشد.
- جوکار، بهرام؛ البرزی، محبوبه (۱۳۸۹). رابطه ویژگی‌های شخصیت با خلاقیت هیجانی و خلاقیت شناخت، *مطالعات روان‌شناختی*، ۱، ۶، ۸۹-۱۰۹.
- کاظمی، حمید؛ شفقی، منصوره (۱۳۹۰). بررسی رابطه خودکارآمدی با خلاقیت شناختی و هیجانی در دانش‌آموزان. اولین همایش ملی یافته‌های علوم شناختی در تعلیم و تربیت. دانشگاه فردوسی مشهد. ۷۵۷-۷۶۹.

لطیفیان، مرتضی؛ دلاورپور، محمد آقا (۱۳۹۱). بررسی رابطه سبک دل‌بستگی و سلامت روان با واسطه‌گری خلاقیت هیجانی. *فصلنامه تازه‌های علوم شناختی*. ۵۴، ۲. ۱۳۵-۱۲۰.

هاشمی، سهیلا (۱۳۸۸). بررسی رابطه هوش هیجانی، خلاقیت هیجانی و خلاقیت در دانشجویان هنر، ادبیات و علوم پایه. *اندیشه‌های نوین تربیتی*. ۵، ۲. ۷۹-۱۰۲.

- creativity: Structure and correlates, *Journal of personality*, 67, 331-371.
- Averill, J. R. (2005). Emotions as mediators and as products of creative activity. In J. Kaufman & J. Baer (Eds.), *Creativity across domains: Faces of the muse*, (pp. 225-243), Mahwah, NJ: Erlbaum.
- Averill, J. R. (2007). Together again: Emotion and intelligence reconciled. In G. Matthews, M. Zeidner, & R. D. Roberts, (Eds.), *Emotional intelligence: Knowns and unknowns* (pp. 49-71), New York, Oxford University.
- Avrill, J.R., & Nunley, E. P. (1992). *Voyages of the heart: Living an emotionally creative life*, New York, Macmillan.
- Bentall, R. P., Swarbrick, R. (2003). The best laid schemas of paranoid patients: Autonomy, sociotropy, and need for closure. *Psychology and Psychotherapy*, 76, 163-171.
- Chirumbolo, A., Leone, L. (2008). Individual differences in need for closure and voting behavior. *Personality and Individual Differences* 44, 1279-1288.
- Chirumbolo, A., Mannetti, L., Pierro, A., Areni, A., & Kruglanski, A. W. (2005). Motivated closed-mindedness and creativity in small groups. *Small Group Research*, 36(1), 59-82.
- Colbert, S. M., Peters, E. R., & Garety, P. A. (2006). Need for closure and anxiety in delusions: A longitudinal investigation in early psychosis. *Behaviour Research and Therapy*, 44, 1385-1396.
- DeBacker, T. K., & Crowson, H. M. (2006). Influences on cognitive engagement and achievement: Personal epistemology and achievement motives. *British Journal of Educational Psychology*, 76, 535-551.
- DeBacker, T. K., & Crowson, H. M. (2008). Measuring need for closure in classroom learners. *Contemporary Educational Psychology* 33, 711-732.
- Freeman, D., Garety, P. A., Bebbington, P. E., Slater, M., Kuipers, E., Fowler, D., et al. (2006). Delusions and decision-making style: Use of the Need for Closure Scale. *Behaviour Research and Therapy* 44, 1147-1158.
- Fuchs, G. L., Kumar, V. K & Porter, J. (2007). Emotional creativity, Alexithymia, and styles of creativity, *Creativity Research Journal*, 19, 233-245.
- Holt, N. J. (2004). Controllable addressness? Creativity, altered states of consciousness and ego-strength, university of Northampton, UK.
- Jost, J. T., Glaser, J., Kruglanski, A. W., & Sulloway, F. J. (2003b). Exceptions that prove the rule—Using a theory of motivated social cognition to account

- for ideological incongruities and political anomalies. *Psychological Bulletin*, 129, 383–393.
- Klein, C. T., & Webster, D. M. (2000). Individual differences in argument scrutiny as motivated by need for cognitive closure. *Basic and Applied Social Psychology*, 22(2), 119–129.
- Kruglanski, A. W. (2006). *The psychology of closed-mindedness*. New York: Psychology Press.
- Kruglanski, A. W., & Webster, D. M. (1996). Motivated closing of the mind: “Seizing” and “Freezing”. *Psychological Review*, 103, 263–283.
- Lim, K. (1995). *The Relationship Between Emotional Creativity & Interpersonal Style*, A dissertation presented for the doctor of philosophy degree The University of Tennessee, Knoxville.
- Long, C.R, Seburn, M, Averill, J.R & More, T.A, (2003). Solitude: Experiences, settings, varieties, and individual differences, *Personality & Social Psychology Bulletin*, 29, 578 - 583.
- Mancini, F., D’Olimpio, F., Del Genio, M., Didonna, F., & Prunetti, E. (2002). Obsessions and compulsions and intolerance for uncertainty in a non-clinical sample. *Anxiety Disorders*, 16, 401–411.
- McKay, R., Langdon, R., & Coltheart, M. (2006). Need for closure, jumping to conclusions, and decisiveness in delusion-prone individuals. *Journal of Nervous and Mental Disease*, 94, 422–426.
- Roets A., & Van Hiel, A. (2011). Item selection and validation of a brief, 15-item version of the Need for Closure Scale. *Personality and Individual Differences* 50, 90–94.
- Roets, A., & Van Hiel, A. (2008). Why some hate to dilly-dally and others do not: The arousal-invoking capacity of decision making for low- and high-scoring need for closure individuals. *Social Cognition*, 26, 333–346.